

تحلیل تطبیقی درونمایه‌های مقاومت در اشعار «سمیح القاسم»، «حسن حسینی» و «قیصر امین‌پور»

کبری روشنفکر^{۱*}، مرتضی زارع برمی^۲، حسینعلی قبادی^۳

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۳. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

پذیرش: ۹۰/۲/۱۲

دریافت: ۸۹/۱۱/۱۱

چکیده

ادبیات مقاومت چهره‌ای انسانی و جهانی دارد و تلاش‌های یک نسل مبارز را که برای رهایی سرزمین، دین، فرهنگ و سنت‌های خود از چنگال تجاوزگران به حریم ارزش‌های ملی و انسانی به پا خاسته است، برای همگان در بیان فخیم شعری و ادبی ترسیم می‌کند. حوادثی مانند اشغال فلسطین و حمله عراق به ایران، باعث آفرینش آثاری یگانه در حوزه ادبیات مقاومت ملل شد. آثار شاعر مقاومت فلسطین، «سمیح القاسم» و شاعران دفاع مقدس ایران، «حسن حسینی» و «قیصر امین‌پور» میراثی ارزشمند در عرصه شعر مقاومت دو سرزمین است.

پژوهش حاضر بر آن است به بررسی همسانی‌ها و تفاوت‌های شعر مقاومت دو سرزمین با اتکاء بر آثار شاعران موردنظر بپردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که احساس تعلق به سرزمین، دفع تجاوز و اشغال خارجی از عوامل اصلی بروز عناصر مقاومت در شعر سمیح، حسینی و امین‌پور هستند. سرزمین، جنگ‌زدگان، قیام علیه متجاوز، انگیزه‌های دینی و قومی مبارزه، شهادت، دشمن، آرمان‌گرایی و اعتراض به نادیده گرفتن ارزش‌های جریان مقاومت از مهم‌ترین درونمایه‌های اشعار شاعران موردنظر به‌شمار می‌روند.

واژگان کلیدی: درونمایه، شعر پایداری، سمیح القاسم، حسن حسینی و قیصر امین‌پور.

Email: kroschan@modares.ac.ir

* نویسنده مسئول مقاله:

آدرس مکاتبه: تهران، تقاطع بزرگراه جلال آل احمد و شهید چمران (گیشا)، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی،

گروه زبان و ادبیات عربی، صندوق پستی: ۱۳۹-۱۴۱۱۵.

۱. مقدمه

سرشت انسان عدالت‌خواه و آزادی‌طلب بدی را بر نمی‌تابد، از این‌رو ناسازگاری خود را با بیداد و ناروا، به اشکال مختلفی چون اعتراض، پرخاش، ستیزه‌گری، رویارویی و مقابله نشان می‌دهد (سنگری، ۱۳۷۷: ۴۶).

ادب مقاومت در مفهوم امروزی خویش بعد از جنگ جهانی دوم و با انحصارطلبی دولت‌های آمریکایی و اروپایی شکل گرفت. حوادث قرن بیستم مانند شکل‌گیری رژیم صهیونیستی و اشغال فلسطین و تهاجم به کشورهای اردن، سوریه، لبنان و مصر و انقلاب اسلامی ایران باعث آفرینش آثاری یگانه‌ای در حوزه ادبیات مقاومت^۱ ملل شرقی و اسلامی شد (شکری، ۱۳۶۶: ۹۱).

شعر مقاومت فلسطین و شعر دفاع مقدس^۲ ایران به عنوان بخشی از ادبیات پایداری ملل، در انعکاس اوضاع و احوال خاص جبهه‌های نبرد با متجاوز، نقش به‌سزایی داشت. نقش ادبیات مقاومت فلسطین به طور کلی برانگیختن، بسیج‌کردن، ایجاد هوشیاری قومی، وطنی و گرایش اندیشه عمومی به سمت قیام است که به مسئله مبارزه کمک می‌کند (کنفانی، ۱۹۶۸: ۵)؛ به گونه‌ای که تمامی بازیگران و بازیگردانان عرصه فلسطین آن را به دلیل انجام خدماتی که پیش‌تر ذکر شد، شایسته عنوان «شعر مقاومت» دانستند (عطوات، ۱۹۹۸: ۲۳۸-۲۳۹). در ایران نیز مسائل و حوادث دوران انقلاب و موضوع جنگ با ابعاد و گستردگی فراوانش، چشم‌انداز جدیدی در ادب باز کرد و تصاویر تازه‌ای را در شعر دفاع مقدس پدید آورد.

پژوهش حاضر می‌کوشد با تکیه بر اشعار سمیع‌القاسم، حسن حسینی و قیصر امین‌پور مهم‌ترین وجوه شباهت و تفاوت درونمایه‌های^۳ شعر مقاومت فلسطین و شعر دفاع مقدس را در کنار علل بروز این درونمایه‌ها بررسی کند.

از پژوهش‌های تطبیقی که به بررسی شعر مقاومت فلسطین و ایران پرداخته‌اند، می‌توان به پژوهش خانم زارع (۱۳۸۷) با عنوان «ادب (شعر) المقاومة فی فلسطین و ایران، موازنه و دراسه و تحلیل و نقد» اشاره کرد. پایان‌نامه مذکور ویژگی هنری شعر محمود درویش تا زمان خروج وی از بیروت را بررسی کرده و در بخش دیگر به شعر ایران در عصر انقلاب

1. resistance literature

2. defend the sacred

3. theme

اسلامی و سپس شعر پایداری ایران به صورت عمومی پرداخته است. پایان‌نامه کارشناسی ارشد خانم روزبھانی (۱۳۸۶) با عنوان «بررسی تطبیقی ادبیات مقاومت ایران و فلسطین با تأکید بر سه شاعر ایرانی و سه شاعر فلسطینی قیصر امین‌پور، علیرضا قزوه، محمدرضا عبدالملکیان و محمود درویش، سمیح‌القاسم، معین بسیسو»، دیگر پژوهش موجود در این زمینه است به دلیل عدم تسلط نامبرده بر زبان و ادبیات عربی، بیشتر مثال‌های عربی که در پایان‌نامه خود برای تطبیق مطرح کرده، متعلق به کتاب *باد خانه من است، گنجشک بهانه* ترجمه موسی بیج است. وی در ذکر درونمایه‌های پایداری شعر سه شاعر فارسی‌زبان نیز تأمل چندانی نکرده است و در بسیاری از موارد از یک شاهد مثال برای توضیح چندین درونمایه استفاده کرده است؛ از این رو پژوهش حاضر می‌کوشد با پاسخ به سؤالات زیر به صورت تفصیلی و استقرایی شباهت‌ها و تفاوت‌های شاعران موردنظر را در مفاهیم و درونمایه‌های شعری بررسی کند.

- عوامل ظهور وجوه مقاومت در شعر «سمیح‌القاسم»، «حسن حسینی» و «قیصر امین‌پور»

چیست؟

- درونمایه‌های مقاومت در شعر شاعران موردبحث چیست و چه همسانی‌ها و تفاوت‌هایی با

یکدیگر دارند؟

روش پژوهش تحلیلی - توصیفی و با رویکرد تطبیقی (مکتب آمریکایی) است که با تحلیل شواهد درون‌متنی انجام می‌گیرد. برای نظم و انسجام پژوهش، مهم‌ترین درونمایه‌های شعر پایداری دو سرزمین در قالب جداولی ارائه شده است. داده‌های مورداستفاده در این پژوهش، چهار جلد از الأعمال الكاملة سمیح‌القاسم، *دفاتر شعری همصدا با حلق اسماعیل و گنجشک* و *جبرئیل* از حسن حسینی و کتاب *مجموعه کامل اشعار قیصر امین‌پور* است. گفتنی است که جلد پنجم و ششم از دیوان سمیح به آثار نثر وی اختصاص دارد.

۲. شاخص‌های شعر مقاومت در شعر سمیح‌القاسم، حسن حسینی و

قیصر امین‌پور

نگارندگان پس از مطالعه تمامی اشعار شاعران مذکور، درونمایه‌هایی با عناوین سرزمین،



مردم، دین، قوم‌گرایی، مبارزه، رهبری مبارزه، شهید، دشمن، آرمان و اعتراض را طرح کرده‌اند که هر یک به تنهایی زیرمجموعه‌هایی دارند. برای شرح هر یک از عناوین، شاهد مثال‌هایی از سه شاعر ارائه شده است، اما آنجاکه مثال از یک یا دو شاعر ارائه می‌شود، به معنای عدم پرداخت دیگری به عنوان مورد نظر است.



نمودار ۱ درونمایه‌های شعر مقاومت در دو سرزمین

۲-۱. سرزمین

وابستگی و تعلق به مکان، در انسان حس وطن‌پرستی و عشق به سرزمین و زادگاه پدری و مادری را از سویی و حق تابعیت و شهروندی را از سوی دیگر فراهم می‌کند (کرانگ، ۱۳۸۳: ۱۴۴) از این نظر، مکان‌ها منبع مهم هویت فردی و جمعی هستند (شکوئی، ۱۳۸۷: ۲۷۶) و در صورت بروز شرایط تجاوز و دفاع، فرهنگ حماسی، شهادت‌طلبی، قهرمان‌پروری و قداست‌پنداری را در شهروندان شکل می‌دهند (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۱۹۲).



نمودار ۲ درونمایه سرزمین

سرزمین در ذهن سمیع، به یک مفهوم ریشه‌ای تبدیل شده و هویت هنری شاعر مقاومت را تشکیل می‌دهد.

۲-۱-۱. میهن‌پرستی^۱

سمیح در شعر «أعلنها» با استفاده از نمادهای طبیعت فلسطین چون زیتون و لیمو، هویت سرزمینی خود را فریاد می‌زند:

«مادامت لی من أرضی أشباراً/ مادامت لی زیتونه/ لیمونه/ أعلنها فی وجه الأعداء»^(۱)
(القاسم، ۱۹۹۳، ج ۱: ۱۱۷).

در شعر «انتظرونی»، درباره شوق بازگشت به میهن می‌گوید:

«عُنقی علی السکینِ یا وطنی/ و لکنی أقولُ لک: أنتظرونی!»^(۲) (همان: ۴۰۱).

وی همچنین در شعر «القصيدة المَفحَّه» وعده بازسازی وطن را زمزمه می‌کند:

«تَبنی المدارسَ و المقاهی و المنازل/ تَبنی مَدینتِنَا الجَدیدَةَ»^(۳) (همان، ج ۳: ۱۶۲-۱۶۳).

۲-۱-۲. مقاومت سرزمین در برابر ویرانی

سرزمین حسینی در برابر ویرانی مقاومت می‌کند:

هرگز نمی‌تواند، این باغ را بسوزد طوفان آتش‌افروز با یاری تبرها

(حسینی، ۱۳۸۷: ۲۶).

امین‌پور نیز در شعر «قطعنامه جنگل»، ویرانی و مرگ جنگل (نماد ایران) را نمی‌پذیرد و

در فضایی حماسی و غرورآمیز فریاد جاودانگی ایران را در برابر تمام حملات سر می‌دهد:

«جنگل بلند و سبز/ بپا خاست/ جنگل هجوم طوفان را/ تکذیب می‌کند (امین‌پور، ۱۳۸۸: ۳۲۶).

۲-۱-۳. اندیشه جهان سرزمینی

سمیح در شعر «کرسی هزاز فی مقبرة الفیلة، ۳. الكرسي»، دردمند فاجعه اتمی هیروشیما

است:

«هیروشیما تُخاطِبُنِی/ آخ من صخبِ الروح فی موتها/ آخ من صمیتها»^(۴) (القاسم، ۱۹۹۳، ج ۳:

۵۷۴).

حسینی در شعر «معبّر سرخ»، با لحنی عرفانی و حماسی، رهایی قدس از اشغال صهیونیست‌ها

را فریاد می‌زند و اعلام می‌کند که راه قدس از کربلا می‌گذرد. گویا خواسته بعضی‌ها را هم‌پایه

1. patriotism

یهودیان گرداند:

اینان که ز عرصهٔ بلا می‌گذرند با زمزمهٔ سرود «لا» می‌گذرند
تا قدس رها ز بند بیداد شود از معبر سرخ کربلا می‌گذرد

(حسینی، ۱۳۸۷: ۱۴۹)

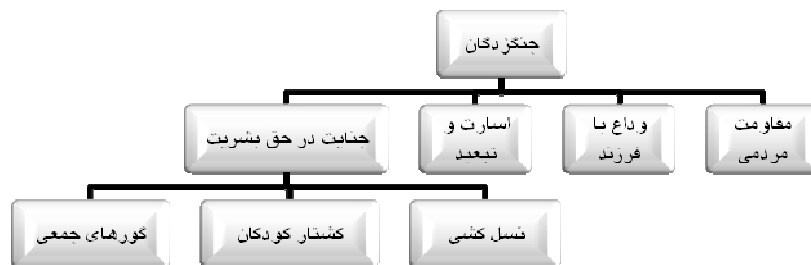
امین‌پور نیز برای همهٔ انسان‌ها نگران است، زیرا برای انسان‌ها می‌سراید. شعر «پنجره» در فضایی نمادین مردم فلسطین را تصویر می‌کند که در انتظار آزادی هستند. پنجره، نماد رهایی و روزهای پرامید آینده است:

در انتهای کوچهٔ شب، زیر پنجره قومی نشسته، خیره به تصویر پنجره

(امین‌پور، ۱۳۸۸: ۳۴۸-۳۴۹).

۲-۲. جنگ‌زدگان

درونمایهٔ مردم در اشعار سمیح، حسینی و امین‌پور با توجه به شرایط جنگ و اشغال و از سوی دیگر بمباران شهرها و قتل‌عام غیرنظامیان انعکاس قابل‌ملاحظه‌ای داشته است.



نمودار ۳ درونمایهٔ جنگ‌زدگان را در دو سرزمین

سه شاعر در انعکاس مقاومت مردمی و بیان جنایات دشمن در حق مردم با یکدیگر اشتراک دارند، اما موضوع نسل‌کشی، اسارت و تبعید^۱ تنها در شعر سمیح وجود دارد.

1. exile

۲-۲-۱. مقاومت مردمی

سمیح در شعر «غزّه»، شرط رسیدن به عشق (وطن) را خون‌دادن می‌داند: «اليوم صارَ على المحبِّين إختيارُ الموت/ أو أبدأُ الفراق»^(۵) (القاسم، ۱۹۹۳، ج ۲: ۷۲). حسینی در «مثنوی عاشقانه»، با ادبیاتی فاخر و در فضایی حماسی، تصویرگر مردمی است که انواع ضربات را تحمل می‌کنند:

اگر دشمنه آدین کنی گردهمان نبینی تو هرگز دل آزرده‌مان

(حسینی، ۱۳۸۷: ۴۴-۴۵)

اما امین‌پور از خشن‌ترین اتفاقات دوران (جنگ) با لحنی عاطفی و لطیف سخن می‌گوید. «شعری برای جنگ»، بیانگر احساس مظلومیت مردم جنگ‌زده ایران و پایداری و رشادت آن‌ها در برابر دشمن است:

«اینان/ هرچند/ بشکسته زانوان و کمرهاشان/ استاده‌اند فاتح و نستوه» (امین‌پور، ۱۳۸۸: ۳۸۸).

۲-۲-۲. وداع مادر و فرزند

شعر «قمیصنا البالی» چهره مادری را به تصویر می‌کشد که شکر گزار تقدیر الهی در شهادت فرزندش است:

«فسبحانَ الذی يُعطی البنینَ و یستعیدُ»^(۶) (القاسم، ۱۹۸۷: ۴۵۷-۴۵۶).

امین‌پور نیز در شعر «این سبزه سرخ کیست»، ترسیم‌گر چهره مادر شهیدی است که به جای گریه برای فرزندش، با صدای بلند در میان جمعیت عزادار «کِل» شادی سر می‌دهد: «در ازدحام و مهممه «کِل» می‌زد؟/ این مادر که بود که می‌خندید؟/ وقتی که لحظه، لحظه رفتن بود» (امین‌پور، ۱۳۸۸: ۳۸۰).

۲-۲-۳. جنایت در حق بشریت

در شعر «الأطفالُ ... و أطفالی» شاعر ترسیم‌گر چهره دشمنی است که زمانی به دست فاشیست‌ها در آلمان در خطر پاکسازی نژادی قرار گرفت و امروز همان اعمال غیرانسانی را در حق مردم فلسطین مرتکب می‌شود:

«تنتظرهم برامج التصفیة الجسدية/ یولد أطفالی/ تولد معهم قنابلهم الفوسفورية»^(۷) (القاسم،

۱۹۹۳، ج ۳: ۱۱۲).

شعر «القصيدة المفحّحة» ترسیم‌گر شهادتی است که در گورهای جمعی مدفون شده‌اند: «أحبائنا الشهداء في القبر الجماعي»^(۸) (همان: ۱۵۵).

حسینی در شعر «نیام خنجر»، از شهادت جمعی از مبارزان ایرانی می‌گوید:

خورشید سحر سرشک خون می‌بارید یک کرب و بلا ستاره پرپر شده بود

(حسینی، ۱۳۸۷: ۱۵۲)

امین‌پور زمانی که می‌گوید، سپور هر صبح خاکستر عزیز کسی را می‌برد، می‌خواهد

عادی بودن مرگ و روزمره بودن اتفاق شهادت را در مناطق جنگ‌زده بیان کند:

«اینجا سپور هر صبح / خاکستر عزیز کسی را / همراه می‌برد» (امین‌پور، ۱۳۸۸: ۳۸۶)

۲-۲-۴. اسارت و تبعید

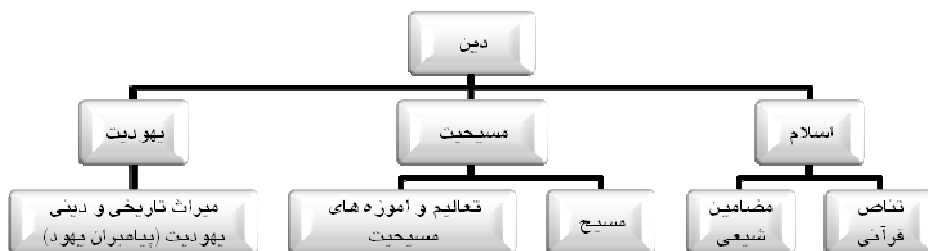
سمیح در شعر «غرّة» فلسطین را به گونه‌ی یک زندان ترسیم می‌کند:

«قدماي في الأصفاذ من عشرين»^(۹) (القاسم، ۱۹۹۳ ج ۲: ۷۰).

۲-۳. دین

بستر تاریخ دینی ایران متفاوت با فلسطین - مهد ادیان آسمانی - بوده و طی قرن‌ها با تعالیم اصیل اسلامی

عجین شده است. شعر حسینی و امین‌پور تبلور خالص‌ترین اندیشه‌های الهی و باورهای دین اسلام است.



نمودار ۴ درونمایه‌ی دین را در دوسرزمین

۱-۳-۲. اسلام

سمیح در شعر «شخصٌ غیرٌ مرغوبٌ فیه» از آیه‌های قرآن در جهت اهداف مقاومت و رویکرد ستیزه‌جویانه خود علیه رژیم اشغالگر استفاده می‌کند:

«أُقْسِمُ إِنَّيْ أُقَاتِلُ... لِيُوَلِّدَ حَقٌّ وَيَزْهَقَ الْبَاطِلُ»^(۱۰) (القاسم، ۱۹۹۳، ج ۳: ۲۲۴).

نعیم عراقیدی در باب تصویرسازی سَمِیح با مفاهیم دینی می‌گوید:

«چه قدر عجیب است که شاعر معاصر عربی و کمونیست به زبان اسلام صحبت می‌کند و چیزی از مفاهیم آن را تغییر نمی‌دهد.» (عراقیدی، ۱۹۹۲، ج ۷: ۳۳۷).

دفاتر «گنجشک و جبرئیل» و «همصدا با حلق اسماعیل» حسینی، مجموعه‌ای از سروده‌های شاعر با درونمایه پایداری و گرایش‌های اسلامی و شیعی است.

۲-۳-۲. مضامین شیعی

سمیح در شعر «اتحدی»، به گونه‌ای صحنه مبارزه را ترسیم می‌کند که یادآور شهادت حضرت ابوالفضل (ع) است:

«اقطعوا زندی و اقطعوا ساقی و اقتلونی... أتحدی»^(۱۱) (القاسم، ۱۹۹۳، ج ۱: ۵۳۰).

حسینی نیز در شعر «راز رشید» تصویری مشابه از ابوالفضل (ع) ارائه می‌دهد:

«تو آن راز رشیدی / که روزی فرات / بر لب ت آورد / و ساعتی بعد / در باران متواتر پولاد / بریده بریده / افشا شدی» (حسینی، ۱۳۸۶: ۳۸).

امین‌پور نیز در منظومه «نی‌نامه» تابلوی کاملی از صحنه‌های کربلا تصویر می‌کند:

سری بر نیزه‌ای منزل به منزل / به همراهش هزاران کاروان دل

(امین‌پور، ۱۳۸۸: ۳۶۳).

۳-۳-۲. مسیحیت و یهودیت

می‌توان آثار سه دین اسلام، مسیحیت و یهودیت را در اشعار سَمِیح به خوبی یافت. در شعر «الطریقُ إلى جبل النار»، شاعر مسیح را پیامبری انقلابی توصیف می‌کند که رهبری مبارزان و قهرمانان کوه آتش نابلس را برعهده دارد. مسیح به دنبال آزادی نوع بشر از ظلمت و طغیان است. (جبر شعث، ۲۰۰۲: ۶۰-۶۱).

«کیفَ تری یستریح / و قد وشحتَه دماءُ المسیح / و إنَّی رسولُ جبالِ الجلیلِ إلى جبلِ النار!»^(۱۲)



(القاسم، ۱۹۹۳، ج ۲: ۳۱۷).

سمیح در اشعارش پیامبران یهود، مانند «إرمیا» و «إشعیا» را مورد خطاب قرار می‌دهد. در شعر «مزمورُ أحفادِ أشعیا» مردم فلسطین به دلیل قربانی‌شدن فرزندان‌شان نزد إشعیا، پیامبر یهود فریاد می‌کنند، اما اینک قوم یهود خود قربان‌گر است:

«یا إشعیا الشجاعُ / إنّهض الیومَ لکی یلعبَ أطفالُ فلسطین / و لایخشونَ أنیبَ الصّلال / و لکی یأمنَ حملان، بأجام السباع»^(۱۳) (القاسم، ۱۹۹۳، ج ۱: ۲۷۸).

۲-۴. قومیت‌گرایی

قوم یا هم‌بودیِ قومی، یک سازمان اجتماعی تشکّل‌یافته است که بر پهنهٔ سرزمینی معینی قرار دارد و شامل مردمی است که در طول تاریخ با هم پیوندهای اقتصادی، فرهنگی و خویشی برقرار کرده‌اند و دارای زبان، ویژگی‌های فرهنگی (شامل دین نیز می‌شود)، پیوندهای خویشی، ارزش‌های اجتماعی و سنت‌های مشترک می‌باشند (شیخاوندی، ۱۳۶۹: ۲۷۶).

عنصر قومیت^۱ در سرزمین‌های عربی از جمله فلسطین، در پی اشغال آن به عنوان گزینه‌ای راهبردی برای مقابله با توطئهٔ نابودی هویت مردم فلسطین وارد عرصهٔ ادبیات مقاومت شد. «قومیت عربی اهدافی مانند: آزادی بخشی سیاسی و پیشرفت اجتماعی را در نظر دارد.» (مناع، ۱۹۸۴: ۱۸). در ایران قومیت‌گرایی اگرچه می‌توانست همچون پایه‌های تثبیت دولتی انقلابی عمل کند، اما انگیزه‌های اسلامی انقلاب، میانه‌ای با آن نیافت. در شعر دفاع مقدّس گرایش غالب با انگیزه‌های مذهبی بود.



نمودار ۵ درونمایهٔ قومیت‌گرایی را در دو سرزمین

1. racial or national

در شعر «هكذا»، عربیت و نژاد عربی در قلب و روح سمیح ریشه دارد:
 «هكذا تنبضُ فی قلبی العروبة!»^(۱۴) (القاسم، ۱۹۹۳، ج ۱: ۱۳۳).
 شعر «فی ذکری معتصم»، نمونه‌ای از عملکرد شاعر در استفاده از میراث تاریخی عرب
 برای حفظ هویت^۱ عربی است:

«و طالت صرخة الأجيال للأجيال! / معتصماه!»^(۱۵) (همان، ج ۱: ۲۲۵).

در شعر «متی»، از اصطلاح عامیانه «محلولة الشعر»، به معنی زنی با گیسوانی فروهشته
 استفاده می‌کند. شاعر با به‌کارگیری واژگان عامیانه مرسوم در لهجه فلسطینیان در برابر
 توطئه نابودی هویت مردمش ایستادگی می‌کند:

«أمی علی الدرب / محلولة الشعر / تقولُ یا ربی / متی تمیل الشمش!»^(۱۶) (همان، ج ۲: ۴۰۳).

آداب و رسوم مشترک نیز به عنوان بخشی از هویت قومی هر سرزمینی است. شعر «عریس
 أخضر» تصویری از «لیلة الداخلة» (شب زفاف) است که آداب، ترانه‌ها و شادی‌های خاص خود را
 دارد. (أمین، ۱۹۵۳: ۳۵۰). همچنین حناکردن و دسته گل مهیا کردن برای عروسی که از رسومات
 ازدواج است (المیض، ۱۹۹۰: ۴۱۱). در شعر مذکور برای هویت‌سازی به کار رفته است:

«حناء علی الکفین / أيها العاشق / قم فی حقة الفد / إلی حاکورة الدار / و هیئ لِّلعرس / باقة
 النعناع و الورد»^(۱۷) (القاسم، ۱۹۹۳، ج ۳: ۵۲۷).

شاعرانی مثل حسینی و امین‌پور بیش از آنکه دلبسته عناصر خونی و نژادی باشند،
 شاعرانی انقلابی، مذهبی و عاشورایی بودند. البته در برخی اشعار با به‌کارگیری اساطیر ملی
 تا حدودی از انگیزه‌های قومی برای تداوم و تهییج به مبارزه استفاده کرده‌اند. حسینی در
 شعر «مشعله» اشاره به قیام کاوه در برابر ضحاک دارد. در حقیقت ایران است که در لباس
 کاوه در برابر صدام ماردوش قیام می‌کند:

کردند بسی مشعله از خون شهید / آتش به سراپرده ضحاک زدند

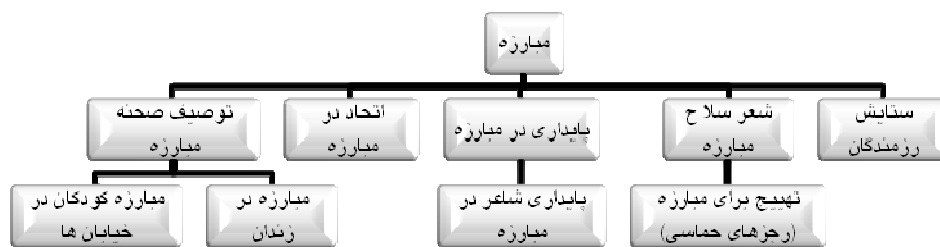
(حسینی، ۱۳۸۷: ۱۳۳).

امین‌پور نیز در شعری برای جنگ، تعبیر رویین‌تن را در وصف بسیجیان به‌کار می‌برد
 که اعتنایی به مرگ ندارند:

«اما رویین‌تنان عشق / بی‌اعتنا به عابر مرگند» (امین‌پور، ۱۳۶۳: ۳۷).

۲-۵- مبارزه^۱

آنجا که پای دفاع از حقوق ملت و دفع تجاوز بیگانه به میان می‌آید، هر انسان آزاده‌ای، دفاع و مبارزه را بر خود لازم می‌داند. در این میان رسالت اهل قلم در عرصه معرفتی ارزش‌ها و شعر مقاومت نمود پیدا می‌کند.



نمودار ۶ درونمایه مبارزه در دو سرزمین

۲-۵-۱. ستایش رزمندگان

سمیح در شعر «مَنْ أَنْتَ؟»، در فضایی عاطفی، عظمت رزمندگان فلسطین را می‌ستاید:
«قَدَمَاکَ الطَّيْنُ/ وَ حُطَاکَ فِلَسطِیْنُ/ وَ رَحِیْلُکَ مَوْتُ نَبِیِّ/ مَنْ أَنْتَ؟»^(۱۸) (القاسم، ۱۹۹۳، ج ۲: ۵۴۴-۵۴۳).

حسینی در شعر «خونبها»، از توصیف و ستایش حماسه‌های رزمندگان احساس ناتوانی می‌کند و می‌گوید که باید سکوت کرد:
«با من بگوئید/ تکلیف لفظ ناتوان «حماسه»/ غیر از سکوت/ در قبال نام ملکوتی شما چیست؟» (حسینی، ۱۳۸۶: ۲۴).

امین‌پور در شعر «شهیدان» واژه شهید را در کنار کلماتی چون نور، چشمه و آب به کار می‌برد:

شهیدان را به نوری ناب شویم درون چشمه مهتاب شویم
شهیدان همچو آب چشمه پاکند شگفتا آب را با آب شویم؟

(امین‌پور، ۱۳۸۸: ۴۵۷).

1. struggle

۲-۵-۲. شعر، سلاح مبارزه

واژگان در شعر «أعلنها»، چون سلاح و نان در دست مبارزان است:
 «کلماتی... خبزاً و سلاحاً فی أیدی الثُّورِ»^(۱۹) (القاسم، ۱۹۹۳، ج ۱: ۱۱۸).
 حسینی در شعر «پیغام»، معتقد است که اشعارش نسل به نسل منتقل می‌شوند و پیام
 پایداری را به آیندگان می‌رسانند:
 «من شعرهایم را/ برای نسل دیگر پست خواهم کرد» (حسینی، ۱۳۸۷: ۹۲).
 امین‌پور در «شعری برای جنگ» می‌خواهد که شعرش فریاد خشمی در چهره خصم
 متجاوز باشد:
 «باید که شعر خاکی و خونین گفت/ باید که شعر خشم بگویم/ شعر فصیح فریاد/ هرچند
 ناتمام» (امین‌پور، ۱۳۸۸: ۳۸۳).

۲-۵-۳. رجزهای حماسی، راهی برای تهییج مبارزان

شعر «الصحراء»، با لحنی حماسی و آتشین مردم را به خروش وای می‌دارد:
 «و قومی اصرخی/ لعل صراخ اغتصاب الصبایا/ یهزُّ رخام الملوک»^(۲۰) (القاسم، ۱۹۹۳، ج ۴:
 ص ۲۳۵).
 در ایران نیز «جوش و خروشی که در زمان جنگ در سراسر مملکت به چشم می‌خورد،
 بر فضای ادبیات انقلاب بسیار تأثیر داشت. شعرها بیشتر در دعوت به میدان جنگ و تشویق
 همگان به ادامه دفاع تا شکست کامل خصم بعثی است.» (رستگار، ۱۳۶۹: ۷).
 حسینی در شعر «و المغیرات صبحاء»، با لحنی حماسی، رجز مبارزه و قیام سر می‌دهد:
 برخیز شبانه نعره خون بزنیم بر لشکر اهرمن شیخون بزنیم
 (حسینی، ۱۳۸۷: ۱۴۴)
 امین‌پور نیز در «شعری برای جنگ» با استفاده از اصطلاح محلی رود رود، به معنای
 فرزند که مادر هنگام مرگ فرزندش سر می‌دهد، مردم را به ادامه مبارزه تهییج می‌کند:
 «باید گلوی مادر خود را/ از بانگ رود رود بسوزانیم/ تا بانگ رود رود نخشکیده است/
 باید سلاح تیزتری برداشت» (امین‌پور، ۱۳۸۸: ۳۸۹).

1. wrath



۴-۵-۲. پایداری در مبارزه

شعر «قصیده الإنتفاضة» یکی از اشعار بی‌بدیل سمیع است که در آن به بهترین نحو ایستادگی مردم را به تصویر کشیده است؛ مردمی که کشته می‌شوند و تن به ذلت تسلیم نمی‌دهند:

«تَقْدَمُوا/ يَمُوتُ مِمَّا الطُّفْلُ وَ الشَّيْخُ وَ لَا يَسْتَسْلِمُ»^(۲۱) (القاسم، ۱۹۹۳، ج ۳: ۴۰۵).

شعر «فریاد تفنگ» حسینی، فریاد پایداری در برابر دشمن است:

فریاد بلند جنگ تا پیروزی / از حنجره تفنگمان می‌آید

(حسینی، ۱۳۸۷: ۱۴۸).

امین‌پور در شعر «حکم آغاز طوفان» حکایت‌کننده داستان مردمی از نسل خون و شهادت است که پشت در پشت در برابر متجاوزان ایستادگی کرده‌اند:

«نسل در نسل / از تبار جنون، پشت در پشت» (امین‌پور، ۱۳۸۸: ۳۵۴).

۵-۵-۲. توصیف صحنه مبارزه

فلسطین دارای یک نیروی نظامی سازمان‌یافته با ساز و برگ جنگی تمام‌عیار نیست. در نبرد علیه اشغالگر تمامی مردم شرکت می‌کنند و با دست‌ان خالی به جنگ تانک‌ها می‌روند. سمیع در شعر «قد نُهْمِلُ لَكِنْ لَنْ نُهْمِلُ» بر انقلاب سنگ تأکید می‌ورزد:

«ما زَالَتْ فِي الْأَرْضِ حِجَارَةٌ/ مَا زَالَتْ بَضْعُ زَجَاجَاتٍ فَارِغَةٍ/ نُقْذِفُهَا فِي وَجْهِ الدَّبَابَاتِ»^(۲۲)

(القاسم، ۱۹۹۳، ج ۲: ۳۶۸).

حسینی در شعر «مثنوی شهیدان» حماسه عاشورایی رزمندگان در مقابله با دشمن را چنین وصف می‌کند:

«هرجا زمینی بود آنجا کربلا شد/ بر پنجه شب تشنه همواره خون/ بارید از هر گوشه

فواره خون» (حسینی، ۱۳۸۷: ۴۰-۴۱).

امین‌پور نیز در شعر «باران زرد»، گوشه‌ای از جنایات دشمن در بمباران‌های شیمیایی

شهرهای ایران را ترسیم می‌کند:

«گفتند آسمان همه‌جا ابری است/ باران زرد/ باران شیمیایی/ می‌بارد» (امین‌پور، ۱۳۸۸: ۳۳۱-۳۳۲).

۶-۲. فرماندهی مبارزه

درونمایه فرماندهی مبارزه در شعر حسینی و امین‌پور با سمیع بسیار متفاوت است.



نمودار ۷ درونمایه فرماندهی مبارزه را در دو سرزمین

سمیح بی تفاوتی و دنباله‌روی سران عرب از سیاست‌های غرب طرفدار اسرائیل را با سرخوردگی تمام در شعر «إلى جميع الرجال الآتقين فى هيئة الأمم المتحدة» چنین ترسیم می‌کند: «أيتها السادة فى كل مكان! اللقاءات الكثيرة/ والخطابات الخطيرة/ ما الذى تجديه فى هذا الزمان؟» (القاسم، ۱۹۹۳، ج ۱: ۱۴۳-۱۴۴).

در مقابل، حسینی در شعر «وداع»، به بانگ «هل من ناصر» امام خمینی (ره)، بلافاصله پاسخ می‌دهد:

«مهلت چون و چرایی نیست مادر، الوداع/ بانگ «هل من ناصر» از کوی جماران می‌رسد/ در طریق عاشقی روح خدا می‌خواندم» (حسینی، ۱۳۸۷: ۳۳).

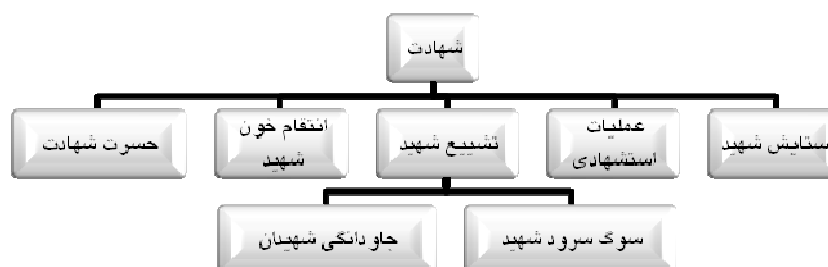
امین‌پور نیز در شعر «خلاصه خوبی‌ها» با حسی صادقانه و صمیمی به ستایش امام (ره) می‌پردازد:

لبخند تو خلاصه خوبی‌هاست لختی بخند، خنده گل زیباست
 پیشانی‌ت تنفس یک صبح است صبحی که انتهای شب یلداست

(امین‌پور، ۱۳۸۸: ۴۰۷)

۲-۷. شهادت

شهادت از محورهای اساسی شعر مقاومت فلسطین و ایران است.



نمودار ۸ درونمایه شهادت را در دو سرزمین



۱-۷-۲. ستایش شهید

شاعران دو سرزمین شهامت و از جان‌گذشتگی شهدا را می‌ستایند. در شعر «دمُ الشَّهِیدِ رسالَةٌ نَبَوِیَّةٌ» سمیح بر شهیدان درود می‌فرستد:

«یا جِبْهَةَ السَّفَاحِ لَا تَتَشَامَخِ / نَعْلُ الشَّهِیدِ أَعَزُّ مِنْكَ وَ أَكْرَمُ / وَ دَمُ الشَّهِیدِ رَسَالَةٌ نَبَوِیَّةٌ / صَلُّوا عَلَی رُوحِ الشَّهِیدِ وَ سَلِّمُوا»^(۲۴) (القاسم، ۱۹۹۳، ج ۲: ۴۱۷).

حسینی در شعر «نشان سرافرازی»، رشادت شهیدان را می‌ستاید، زیرا مرگ را به بازی گرفتند و رفتند:

«زین پیش دل‌ورا، کسی چون تو شگفت حیثیت مرگ را به بازی نگرفت» (حسینی، ۱۳۸۷: ۱۴۱).

امین‌پور نیز در شعر «بر آستان بهار» عظمت شهداء را می‌ستاید:

خورشید خم شد تا نگاهت را ببوسد گل غنچه شد تا قرص ماهت را ببوسد

(امین‌پور، ۱۳۸۸: ۱۹۴-۱۹۵)

۲-۷-۲. تشییع شهیدان

سمیح در «القَصِیدَةُ الْمُفَحَّحَةُ» بیکر شهیدی را که بر شانه‌ی عزاداران حمل می‌شود، به سرود (نماد کلام حق و حقیقت)، گل سُنْبُل (نماد فلسطین) و عرش الهی (بلند مرتبگی) مانند می‌کند:

«تَعُودُ مَحْمُولًا عَلَی الْأَکْتافِ نَعْشًا / وَ تَعُودُ أُغْنِیَةً وَ سُنْبُلَةً وَ عَرِشًا»^(۲۵) (القاسم، ۱۹۹۳، ج ۳: ۱۴۶).

امین‌پور نیز تابوت شهیدان را چون کشتی‌های بادبانی بر اقیانوسی از جمعیت عزادار ترسیم می‌کند. اصطلاح ارتفاع ابر و سطح بی‌نهایت اقیانوس، فضایی عرفانی به عزاداری شهیدان بخشیده است:

«پرواز بیکرانه کشتی‌ها/ در ارتفاع ابر تماشایی است/ بر سطح بی‌نهایت اقیانوس/ گویی

هزار کشتی کوچک/ با بادبان کج شده می‌رانند» (امین‌پور، ۱۳۸۸: ۳۱۸-۳۱۹).

۳-۷-۲. جاودانگی شهیدان

سمیح‌القاسم افرادی را که در راه رسیدن به آزادی و تحقق اهداف بزرگ کشته می‌شوند، مرده به شمار نمی‌آورد؛ به همین دلیل «فدریکو مارکو» - شاعر آزاداندیش اسپانیایی - را در شعری به نام «لیلاً، علی بابِ فِدْرِیکو» صدا می‌زند و مرگش را باور نمی‌کند:

«فدریکو / إنزل / أنذا مُنتَظِرٌ فی الساحة»^(۳۶) (القاسم، ۱۹۹۳، ج ۳: ۱۷۷).

حسینی در شعر «غزل لاله‌رخان» به طور صریح اعلام می‌دارد که شهیدان زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند:^(۳۷)

«روزی‌خواران سفره عشق‌اند تا ابد / ای زندگان خاک! مگویید مرده‌اند» (حسینی، ۱۳۸۷: ۲۰).

امین‌پور نیز در شعر «این سبز سرخ کیست»، شهید را در لباس سبزش چون درختی ترسیم می‌کند که بعد از دفن جوانه می‌زند:

«هرچند سرخ‌سرخ به خاک افتاد / اما / این ابتدای سبز او بود» (امین‌پور، ۱۳۸۸: ۳۸۱).

۴-۷-۲. انتقام^۱ خون شهیدان

انتقام خون نیروهایی که در مسیر مبارزه جان خود را از دست داده‌اند، بخشی از فعالیت جریان مقاومت علیه متجاوز است. شعر «لَبِدٍ ظَلَّتْ تُقَاوِمُ» به کفر قاسم و کشتگان کفر قاسم و عده انتقام می‌دهد:

«كَفَرَ قاسم / دَمَكُ المَهْدُورُ ما زال / و ما زالنا نُقاوِمُ»^(۳۸) (القاسم، ۱۹۹۳، ج ۱: ۱۰۵).

۵-۷-۲. عملیات استشهادی^۲

«سمیح‌القاسم با سرودن، «الرجلُ الغامِضُ»، (مرد مرموز) برای نخستین بار فدائیان فلسطین را از زاویه شعر مطرح کرد. این منظومه در نوع خود، یکی از قوی‌ترین اشعار در زمینهٔ مظلومیت و مبارزه چریک‌های فدایی فلسطین است.» (فرزاد، ۱۳۸۳: ۲۲۰).

«الرجلُ الغامِضُ كانَ اسمَه / و هالهم أن أبصروه، يُضرمُ النيران»^(۳۹) (القاسم، ۱۹۹۳، ج ۱: ۵۶۱)

عملیات شهادت‌طلبانه در معنای متعارف آن در شعر فارسی مصداق نداشته است.

۶-۷-۲. حسرت شهادت

در این‌گونه سروده‌ها شاعر به دلیل جا ماندن از خیل عظیم شهدا و محرومیت از شهادت شکوه می‌کند:

«ماندن به هر طریق / پرسش بی‌رحمی است / بزرگان «نه» را برمی‌گزینند / و حقیران - به

1. revenge

2. martyrdom operations

خواری -/ تن به «آری» می‌دهند» (حسینی، ۱۳۸۷: ۶۲-۶۳).

امین‌پور نیز در شعر «غزل تقویم‌ها» خود را سرزنش می‌کند:

«در خاک شد صد غنچه در فصل شکفتن/ ما نیز جز خاکستری بر سر نکردیم/ لیبک گفتن

را لبی هم تر نکردیم» (امین‌پور، ۱۳۸۸: ۳۹۲)

۲-۸. دشمن^۱

سمیح، حسینی و امین‌پور در اشعار خود به دشمن خارجی به عنوان اصلی‌ترین عامل تهدید می‌نگرند.



نمودار ۹ درونمایه دشمن را در دو سرزمین

۱-۲-۸. بیان جنایات دشمن

سمیح‌القاسم در شعر «شخص غیر مرغوبِ فیه» در قالب کلماتی کوتاه و هماهنگ عمق جنایت متجاوزین را به تصویر می‌کشد:

«سَلَبُوا، نَهَبُوا، اغْتَصَبُوا، خَرَبُوا، نَكَبُوا، غَرَبُوا/ أَقْبَلُوا، قَتَلُوا، نَهَبُوا»^(۳۰) (القاسم، ۱۹۹۳، ج ۳: ۲۳۸).

حسینی در شعر «مثنوی شهیدان» با ایجاد پیوند خیالی بین حرکت جزر و مد و حرکت

چاقو، تصویری بدیع از قربانی شدن فرزندان ایران به دست متجاوزان خلق می‌کند:

گل‌بوته‌های روشنائی پرپر شب یا زخم‌دار جزر و مد خنجر شب

(حسینی، ۱۳۸۷: ۴۰).

امین‌پور نیز در شعر «رسم» به کشتار کودکان توسط دشمن اشاره دارد:

این دخترکان بهشت‌شان کابین است بر حبله گور، خونشان آذین است

(امین‌پور، ۱۳۶۳: ۶۱)

1. enemy

۲-۸-۲. تهدید^۱ دشمن

سمیح در «قصیده الإنتفاضة» دشمن را به آتشی که از آسمان و زمین بر آنها خواهد بارید، تهدید می‌کند:

«تَقْدَمُوا/ كُلُّ سَمَاءٍ فَوْقَكُمْ جَهَنَّمُ/ وَ كُلُّ أَرْضٍ تَحْتَكُمْ جَهَنَّمُ»^(۳۱) (القاسم، ۱۹۹۳، ج ۳: ۴۰۷).

امین‌پور در شعر «زنهار» با لحنی تند و شعارگونه، دشمن را با یک نگاه خشم‌آگین تهدید به نابودی می‌کند:

از گوشه چشم یک نظر اندازیم در خرمن دشمنان شرر اندازیم
یا خصم، خود از دست سپر اندازد یا ما ز تنش، دست و سپر اندازیم

(امین‌پور، ۱۳۶۳: ۶۲).

۲-۸-۳. تحقیر^۲ دشمن

سمیح در شعر «لیلی العدنیة، قصیده دم... علی ربابة شهدائنا»، بی‌پرده به دشمن دشنام می‌دهد و او را دزد می‌نامد:

«ما نُطِيقُ الذَّلَّ: لِلْعَادِيِ الْغَرِيبِ»^(۳۲) (القاسم، ۱۹۹۳، ج ۱: ۲۳۹).

حسینی در شعر «خفاش»، تحقیر را با لحنی تهدیدآمیز همراه کرده است. خفاش موجودی است که از نور گریزان است، اما رزمندگان که چون خورشید و سپیده صبحگاهان هستند، با نورافشانی مرگ خفاش را رقم می‌زنند:

خفاش که بر ستاره تسخر می‌زد اندیشه نور را به خنجر می‌زد
بی‌بیم سحرگهان چو خورشید دمید زیر قدم سپیده پرپر می‌زد

(حسینی، ۱۳۸۷: ۱۴۷).

امین‌پور در شعر «طلوع»، دشمن بعثی را کافر خطاب می‌کند. رهبری ایران جنگ با عراق را در همان ابتدا، جنگ حق و باطل دانست؛ هویت خودی در برابر دشمن به‌سان هویت یک مسلمان با کافر تعریف شد. در واقع در نزد جامعه و دولت انقلابی، صدام و حزب بعث تجسم ضدیت با اسلام بودند (ولی‌پورزرومی، ۱۳۸۴، ش ۳، س ۶: ۱۲۰).

1. threat
2. humiliation

ز خون عاشقان رنگین شد آفاق درخشان شد رواق تیره‌گون طاق
 شب کافر فرو شد در سیاهی به عقل سرخ سر زد شیخ اشراق
 (امین‌پور، ۱۳۸۸: ۴۵۷)

۴-۸-۲. سلطه امنیتی اشغالگر

اثر انگشت شاعر به دلیل کنترل شدید پاسگاه‌های ایست و بازرسی، برای تمام سربازان دشمن آشنا است. در چنین جوی حتی به ماه آسمان نیز نمی‌توان اعتماد داشت:
 «بصماتی عَدَت كَلُّهَا الْيَوْمَ مَعْرُوفَةٌ / فِي مَحَطَّاتِ بُولِيَسِكَم كَلُّهَا / تَسْتَطِيعُونَ يَا سَادَتِي / أَنْ تَحِيلُوا الْقَمَرَ / مُخْبِرًا تَأْفَهُا»^(۳۳) (القاسم، ۱۹۸۷: ۴۳۵).
 سلطه امنیتی دشمن در شعر دفاع مقدس نمودی ندارد.

۹-۲. آرمان‌گرایی^۱

هرچند در کشورهای استبدادی یا اشغال‌شده توسط یک نیروی مهاجم خارجی، تحقق صلح، عدالت، برابری و آزادی معنی ندارد، اما سمیح با وجود اشغال، مردم فلسطین را به آینده امیدوار می‌کند و در سوی دیگر حسینی و امین‌پور دنیای آرمانی خود را بیشتر با اتکاء بر ظهور امام زمان (عج) بنا می‌کنند.



نمودار ۱۰ درونمایه آرمانگرایی را در دو سرزمین

۱-۹-۲. امید به آینده

قصیده «أنا و أنت» سمیح، نمود کامل آرمان‌گرایی در ادبیات با زبانی نمادین است. روزهای

1. idealism

آینده نویدبخش طلوع خورشید و دمیدن لحظه‌رهایی است. خاکستر و خواب، نماد اشغال و شکست است، اما با طلوع خورشید و وزش باد (نماد حیات و پیروزی) روزهای خوش آغاز خواهند شد:

«و بعد ساعة من الزمان / ستفرغ الشمس من الرقاد / و بعد الساعة من الزمان / ستفرغ الريح من الرقاد / و تجرف الرماد»^(۳۴) (القاسم، ۱۹۹۳، ج ۱: ۴۶۶).

سرانجام سختی‌ها در پرتو استقامت و پایمردی ملت تمام می‌شوند و لحظه پیروزی فرا می‌رسد: «كل صعب يهون / و لذا ينبغي، ينبغي أن أكون»^(۳۵) (همان، ج ۳: ۳۵۴).

۲-۹-۲. امدادهای غیبی

سمیح در شعر «الخروج على صهوة الموت» منتظر طوفان‌های نجات‌بخش شرقی (امدادهای غیبی) است:

«يا مدن الحزن المدمى. يا قري المذلة / فانتظري المنابع الخفية / وانتظري الزوابع الشرقيّة»^(۳۶) (همان، ج ۱: ۵۹۴).

۲-۹-۳. زوال نظام سلطه

وی در شعر «ریبورتاج .. عن حزيران عابراً»، با استفاده از میراث تاریخ، به صهیونیست‌ها یادآوری می‌کند که سرانجام هولاکو (فرمانده مغول) در انتظارشان است:

«ألف هولاکو أنا أغرقتهم / فی دیاجیری، و أطلعت صباحی / ینتهی العدوان غیماً عابراً / و أنا أبقی، و حبی، و کفاحی»^(۳۷) (همان، ج ۲: ۸۳).

۲-۹-۴. صلح^۱ و آزادی^۲

سمیح در شعر «القصيدة المفححة»، آینده آرمانی فلسطین و آبادانی آن را تنها در سایه ایجاد صلح و همدلی مردم می‌داند:

«تعال نبندیء الخلیفة»^(۳۸) (همان، ج ۳: ۱۶۷).

«یمینی العید» معتقد است، مقصود از «خلیفة»، همه مردم است و «حقیقة»، برپایی زندگی

1. peace
2. freedom



به معنی عام است که ضرورتاً در سایه توقف کشتار، اسارت و تبعید و به رسمیت شناختن حق مردم فلسطین در تعیین سرنوشت محقق خواهد شد (العید، ۱۹۹۲، ج ۷: ۳۹۱-۳۹۲).

۵-۹-۲. منجی^۱

در اشعار حسینی و امین‌پور ظهور منجی موعود به عنوان امداد غیبی و تحقق آرمان‌های بشری است. حسینی در شعر «وارث نور» منتظران را به آینده‌ای روشن مژده می‌دهد. حضرت مهدی (عج) همراه با خیر و برکت به حکومت جور پایان می‌دهد: «صبحی دگر می‌آید ای شب زنده‌داران/ از قله‌های پر غبار روزگاران/ این است باران/ با تیغ آتش می‌درد آن وارث نور/ در انتهای شب گلوی نابکاران» (حسینی، ۱۳۸۷: ۳۱). امین‌پور نیز در شعر «صبح بی تو» روح انتظار آمیخته با امید را ترسیم کرده است. عبارت شهر پرآینه (آینه نماد حقیقت است)، مدینه فاضله‌ای را نوید می‌دهد که با ظهور منجی موعود محقق می‌شود:

ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می‌کشاید آن‌که در دستش کلید شهر پرآینه دارد

(امین‌پور، ۱۳۸۸: ۴۰۹).

آرمان‌گرایانه‌ترین، صورت اندیشه‌های امین‌پور در جایی جلوه‌گر است که از صلح می‌گوید. شاعری که روزی شعری برای جنگ سرود، امروز طرحی برای صلح می‌دهد. دو عنصر آشتی و مبارزه با خشونت‌طلبی مهم‌ترین ویژگی سبکی شعر امین‌پور است. شعر «طرحی برای صلح (۳)» حاصل تأملی ژرف در گذر سال‌های جنگ است: «شهیدی که بر خاک می‌خفت/ سر انگشت در خون خود می‌زد و می‌نوشت/ دو سه حرف بر سنگ:/ به امید پیروزی واقعی نه در جنگ، که بر جنگ» (همان: ۱۷).

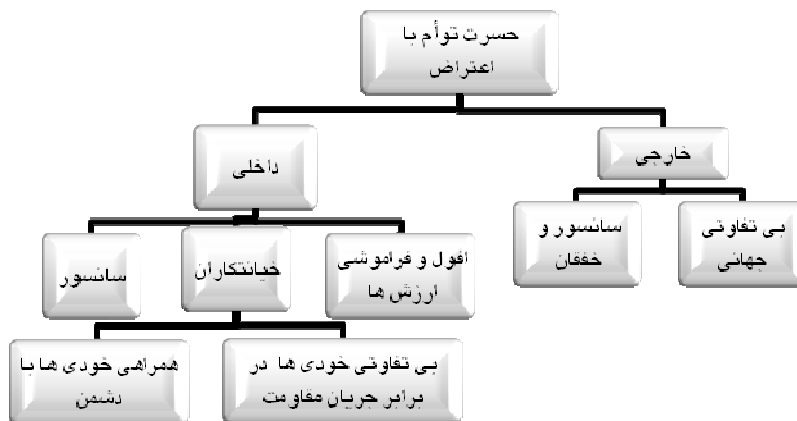
امین‌پور آرمان‌هایش ژرفا و گستره‌ای از انسانیت بخشیده است. شاعری که روزی آرزوی شهادت داشت امروز آرمان آزادی و امید به آینده را مطرح می‌کند (ایران‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۳-۳۵).

پرنده نشسته روی دیوار گرفته یک قفس به منقار

(امین‌پور، ۱۳۸۸: ۳۲).

۲-۱۰. حسرت توأم با اعتراض^۱

شاعر ضمن حسرت بر از دست دادن مطلوبات خویش، در بُعد داخلی به زوال و فراموشی ارزش‌ها و در بُعد خارجی نسبت به بی‌تفاوتی‌ها و سانسور حقایق سرزمینش توسط جامعه جهانی اعتراض می‌کند.



نمودار ۱۱ درونمایه حسرت توأم با اعتراض را در دو سرزمین

۲-۱۰-۱. بی‌تفاوتی جامعه جهانی

شعر «مراثی سمیح‌القاسم» تصویری از شرایط روحی نامساعد شاعر و غربتش در دنیای معاصر است؛ دنیایی که هویت فلسطینی‌اش را انکار می‌کند:

«ها أنذا أبکی، ها أنذا أندب، ها أنذا أطرق أبواب الأمم المتحدة (أو غیر المتحدة)، ها أنذا أتقلص، ها أنذا أمتد، ها أنذا أسأل، ها أنذا أعرق، ها أنذا أتمزق، ها أنذا»^(۳۹) (القاسم، ۱۹۹۳، ج ۴: ۹۳-۹۴).

۲-۱۰-۲. خیانت^۲

شعر «تغریبه، إلی محمود درویش» تصویری از همراهی عناصر خودفروخته فلسطینی-

1. objection
2. betrayal



عربی، با اسرائیل است. کودکانی از سوی دشمن آسیب می‌بینند و به جای گرفتن انتقام آن‌ها، شاهد تکذیب حقیقت، از سوی منافقین و خائنین به ملت فلسطین هستیم:

«و أعداءُ أطفالنا یضربون/ و أصحابنا یكذبون/ و لم یبق فی الأرض/ غیرُ الذین/ یحبوننا میئین»^(۴۰) (همان، ج ۲: ۶۹۶).

حسینی در شعر «آتش محض» با بیانی حماسی و آتشین به خائنین هشدار می‌دهد که در برابر همه ضربه‌های ایشان مقاومت می‌کند:

«آتش محضیم منافق هشدار/ پولاد از این کوچه به نر می‌گذرد» (حسینی، ۱۳۸۷: ۱۵۳).

امین‌پور نیز در شعر «حماسه بی‌انتها» به خیانت منافقین در جریان جنگ تحمیلی اشاره می‌کند:

«دردا و حسرتا که ز بیگانه هم ربود/ در این میانه گوی ستم آشنای ما» (امین‌پور، ۱۳۸۸: ۴۰۲).

۳-۱۰-۲. سانسور

شعر «الثَّغْفَةُ الْمَقْصُوصَةُ» روشن‌ترین موضع شاعر در برابر سرکوب، خفقان و سانسور است:

«كَانَ فِي وَدْيٍ أَنْ أُسْمِعَكُمْ/ قِصَّةً عَنْ عَنَدَلِيبِ مَيْتٍ/ كَانَ فِي وَدْيٍ أَنْ أُسْمِعَكُمْ/ قِصَّةً/ لَوْلَمْ يُقْصَوْا شَفَتِي»^(۴۱) (همان، ج ۱: ۳۶۹).

حسینی در شعر «پادگان سکوت»، دیدگاهی انتقادی در برابر برخی جریان‌های جامعه پس از جنگ دارد:

«و دهانم/ پادگان سکوت است/ با پرچمی نیمه‌افراشته/ که سرخ/ در باد/ مچاله می‌شود» (حسینی، ۱۳۸۸: ۶۸).

امین‌پور نیز در شعر «خمیازه فریاد» از عدم انعکاس گفته‌هایش گلایه می‌کند:

بس که خمیازه فریاد کشیم، بیری است / خواب‌هایم همه کابوس، همه فریادند
لب‌به‌آواز گشویم به لبم مهر زنند / چشمم آمد به سخن، سرمه به خورشش نالند

(امین‌پور، ۱۳۸۸: ۳۰۷)

۴-۱۰-۲. افول ارزش‌ها^۱

ارزش‌های انقلاب، در طول هشت سال جنگ، فرایند «جذب و ارتقا» را طی کردند؛ به این معنا

1. value

که از حالت فردی بودن روزهای نخست جنگ، به سطح ارزش‌های گروهی (گروه رزمندگان) ارتقا یافتند، سپس با تعمیق و گسترش پیام شهادی دفاع مقدس و بیانات امام راحل و سایر عوامل دیگر به سطح «ارزش اجتماعی» و در نهایت «ارزش‌های ملی و مردمی» رسیدند: ارزش‌های فردی ← ارزش‌های گروهی ← ارزش‌های اجتماعی ← ارزش‌های ملی و مردمی. حسینی در شعر «هشدار» نسبت به حفظ میراث شهدا و احترام به ارزش‌های جنگ هشدار می‌دهد: «میراث گرانبار شهیدان، هشدار/ بازیچه خیل بی‌تباران نشود» (حسینی، ۱۳۸۷: ۱۴۲).

امین‌پور نیز در «شعر بی‌دروغ» دردمند فراموشی حماسه شهیدان است: «راستی چرا/ در رثای بی‌شمار عاشقان/ که بی‌دریغ/ خون خویش را نثار می‌کنند/ از نثار یک دریغ هم دریغ می‌کنیم» (امین‌پور، ۱۳۸۸: ۱۲۹).

۳. نتایج پژوهش

مهم‌ترین عوامل ظهور وجوه مقاومت در شعر «سمیح‌القاسم»، «سید حسن حسینی» و «قیصر امین‌پور» بروز احساس تعلق به سرزمین و دفع تجاوز و اشغال خارجی است. همسانی‌ها و تفاوت‌های حاصل از بررسی درونمایه‌های مقاومت در اشعار سه شاعر به شرح ذیل است:

۳-۱. سرزمین

رهایی فلسطین از اشغال صهیونیسم و حفظ هویت عربی آن، اساسی‌ترین دغدغه سمیح در حوزه سرزمین است. گستره مضامین مرتبط با سرزمین در اشعار حسینی و امین‌پور به این دلیل که دغدغه اشغال سرزمین یا تهدید هویت ملی ایرانیان را نداشتند، محدود است.

۳-۲. جنگ‌زدگان^۱

پایداری مردم و ترسیم اوضاع نابسامان آن‌ها از مفاهیم مشترک سه شاعر است. اما فاجعه نسل‌کشی، آوارگی، اخراج از سرزمین و بی‌تفاوتی جامعه جهانی در برابر سرنوشت آوارگان،

1. war victims



تنها در شعر سمیح انعکاس یافته است.

۳-۳. دین

دین یکی از عوامل انگیزشی قیام علیه متجاوز است. شاعر آزاداندیش فلسطینی از همه ظرفیت‌های میراث دینی بشر در جهت خدمت به جریان مقاومت استفاده می‌کند؛ در حالی که حسینی و امین‌پور با توجه به انگیزه‌های اسلامی انقلاب سال ۵۷ بیشتر متکی بر تعالیم اسلامی و شیعی هستند.

۳-۴. قومیت‌گرایی

سمیح با انکاء بر نژاد، فرهنگ، آیین، تاریخ و زبان، مردم را به قیام فرامی‌خواند. امین‌پور با توجه به انگیزه‌های اسلامی انقلاب، میانه‌چندانی با قوم‌گرایی در مبارزه ندارد و حسینی بیشتر با تکیه بر اسطوره‌های ملی، ایرانیت را در اشعارش پررنگ می‌کند.

۳-۵. مبارزه

اعتقاد به مبارزه تا پای جان برای رهایی و دفع تجاوز دشمن در شعر مقاومت دو سرزمین انعکاسی یکسان دارد. وجه‌تمایز در نوع مبارزه است؛ سمیح با توجه به اشغال فلسطین به توصیف جنگ‌های خیابانی و چریکی پرداخته است؛ در حالی که نبردهای خیابانی در اشعار حسینی و امین‌پور نمودی ندارد.

۳-۶. رهبری مبارزه

سمیح با رهبران سازگار با جنبش خودگردان میانه‌مسالمت‌آمیزی ندارد؛ در حالی که حسینی و امین‌پور به رهبری امام خمینی (ره) اعتقادی راسخ دارند.

۳-۷. شهادت

پرداختن به موضوع شهادت و مفاهیم وابسته به آن از وجوه مشترک سه شاعر است؛ با این تفاوت که سمیح به عملیات استشهادی به عنوان راهی برای مبارزه پرداخته؛ در حالی که در

شعر حسینی و امین‌پور این‌گونه اقدامات نمودی ندارد.

۸-۳. دشمن

ترسیم جنایت‌های دشمن در شعر مقاومت دو سرزمین انعکاسی مشابه دارد. سمیح خفقان و سلطه تبلیغاتی اسرائیل را محکوم می‌کند. سلطه امنیتی و تبلیغاتی عراق بر ایران هرگز تحقق نیافت.

۹-۳. آرمان‌گرایی

پیروزی، صلح، آزادی و ترسیم آینده‌ای آرمانی هدف والای شاعران مقاومت فلسطین و ایران است؛ با این تفاوت که آرمانی‌ترین اشعار حسینی و امین‌پور مرتبط با ظهور امام عصر (عج) است.

۱۰-۳. اعتراض

حسینی و امین‌پور همراهی برخی عناصر خودفروخته با دشمن را محکوم و نگرانی خود را از افول یا فراموشی دستاوردهای جنگ ابراز می‌کنند. درمقابل، سمیح با توجه به ادامه جنبش مقاومت نگرانی چندانی بابت کم‌رنگ شدن ارزش‌های مقاومت ندارد، اما اعتراض خود را در برابر خیانت سران عرب به جنبش مقاومت و سانسور داخلی و خارجی حقایق اشغال ابراز می‌کند.

۴. پی‌نوشت‌ها

۱. تا زمانی که چند وجب زمین برایم باقی‌است / تا زمانی که برایم زیتون / لیمو است / آن را در صورت دشمنانم فریاد می‌کنم.
۲. گلو بر دشنه دارم، میهنم / اما می‌گویم، چشم انتظارم باشید.
۳. مدارس و قهوه‌خانه‌ها و منازل را می‌سازند / شهر جدیدمان را می‌سازند.
۴. هیروشیما مرا خطاب قرا می‌دهد / آخ از فریاد روح در مرگش / آخ از سکوتش.
۵. امروز زمان انتخاب مرگ برای عاشقان / یا جدایی همیشگی (از وطن) فرا رسیده است.
۶. منزه است پروردگاری که فرزندان را می‌بخشد و باز پس می‌گیرد.



۷. برنامه‌های نسل کشی انتظار مردم را می‌کشد/ کودکانم متولد می‌شوند/ همراه کودکانم بمب‌های فسفری نیز متولد می‌شوند.
۸. دوستان شهیدمان در قبری جمعی.
۹. پاهایم از بیست سال پیش در بند است.
۱۰. قسم می‌خورم که می‌جنگم ... تا که حق متولد و باطل نابود شود.
۱۱. مچ دستم و پایم را قطع کنید و بکشیدم، مبارزه می‌کنم.
۱۲. فکر می‌کنی چگونه استراحت می‌کند/ در حالی که خون مسیح او را زینت داده است/ من فرستاده کوه‌های الجلیل تا کوه آتش هستم.
۱۳. اشعیای شجاع/ امروز برخیز تا کودکان فلسطینی بازی کنند/ تا از نیش مارها نهراسند/ تا بره‌ها در بیشه درندگان در امان باشند.
۱۴. و این‌گونه، عربیت در قلب من می‌تپد.
۱۵. و فریاد نسل‌ها برای نسل‌ها پیچید/ معتصم.
۱۶. مادرم در آستان ایستاده است/ با گیسوانی فروخته/ می‌گوید ای پروردگارم/ کی خورشید باز می‌گردد؟
۱۷. دستان را حنا بسته/ ای عاشق/ به سبکی و چالاکي یوزپلنگ برخیز/ به سوی آستان در/ برای عروس آماده کن/ دسته نعنای گل.
۱۸. قدم‌های خاک هستند/ و گام‌های فلسطین/ و سفرت مرگی پیامبرگونه/ تو کیستی؟
۱۹. کلماتم به صورت نان و سلاح در دستان انقلابی‌ها است.
۲۰. برخیز و فریاد بزن/ چه بسا فریاد خشم اسیران/ کاخ پادشاهان را تکان دهد.
۲۱. پیش آید/ کودک و پیر ما می‌میرد و تسلیم نمی‌شود.
۲۲. پیوسته در زمین سنگی است/ همیشه تعدادی شیشه خالی است/ به صورت تانک‌ها پرتابش می‌کنیم.
۲۳. ای آقایان در هر جا که هستید/ دیدارهای بسیار/ سخنان غرا/ چه سودی دارند امروز؟
۲۴. ای سینه کوه بزرگی نکن/ گام شهید از تو بهتر و گرامی‌تر است/ خون شهید رسالت پیغامبری است/ بر روح شهید سلام بفرستید.
۲۵. برمی‌گردد چون نعشی که بر کتف‌ها حمل می‌شود/ سرود و سنبل و عرش باز می‌گردد.

۲۶. فدريكو بيا پايين / من در حياط منتظر تو هستم.
۲۷. «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَوِّقُونَ» (آل عمران: ۱۶۹).
۲۸. كفر قاسم / خون ریخته‌ات همچنان جوشان است / و ما همچنان مقاومت می‌کنیم.
۲۹. نامش مرد ناشناس بود / و او را دیدند که آتش / در جبهه کهنسال می‌افروزد.
۳۰. ربودند، غارت کردند، غصب کردند، خراب کردند، سرکوب کردند، آواره کردند، پیش آمدند، کشتند، رفتند.
۳۱. پیش آید / همه آسمان بر سرتان جهنم است / و تمام زمین زیر پایتان جهنم است.
۳۲. ذلت را تحمل نمی‌کنیم: از جانب دزد بیگانه.
۳۳. اثر انگشتم / برای تمام پاسگاه‌هایتان آشنا است / می‌توانید آقایان از ماه / خبرچینی پست بسازید.
۳۴. ساعتی دیگر / خورشید از خواب بر خواهد خواست / ساعتی دیگر / باد از خواب برخواهد خاست / و خاکستر را سیل‌وار می‌برد.
۳۵. هر سختی‌ای آسان می‌شود / و به این جهت شایسته است، شایسته است که باشم.
۳۶. ای شهرهای خونین، ای روستاهای خوارشده / منتظر دستانی از غیب باشید / منتظر طوفان‌های شرقی باشید.
۳۷. هزار هولاکو را غرق کردم / در تاریکی‌هایم و صبح را دمیدم / دشمن چون ابری به پایان می‌رسد / من می‌مانم باعشق و مبارزه‌ام.
۳۸. به پیش آی که همگی زندگی را آغاز کنیم.
۳۹. این من هستم که گریه می‌کنم، این من هستم که بی‌تابی می‌کنم، این من هستم که درهای سازمان ملل متحد و غیرمتحد را می‌کوبم، این من هستم که منقبض می‌شوم، این من هستم که امتداد می‌یابم، این من هستم که خواهش می‌کنم، این من هستم که غرق می‌شوم، این من هستم که پاره پاره می‌شوم، این من هستم.
۴۰. دشمنان، کودکانمان را می‌زنند / و یارانمان تکذیب می‌کنند / در زمین باقی نمانده است / غیر از کسانی که / مرده ما را دوست دارند.
۴۱. دوست داشتم بازگو کنم قصه بلبل مرده را / دوست داشتم قصه‌ای را برای شما بگویم، اگر لبم را نمی‌بریدند.



۵. منابع

- قرآن کریم.
- امین، احمد. (۱۹۵۳). *قاموس العادات و التقالید و التعابیر المصریة*. ط ۱. القاهرة: مطبعة لجنة التألیف و الترجمة و النشر.
- امین‌پور، قیصر. (۱۳۶۳). *تنفس صبح*. تهران: انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- ----- (۱۳۸۸). *مجموعه کامل اشعار قیصر امین‌پور*. چ ۲. تهران: انتشارات مروارید.
- ایران‌زاده، نعمت‌الله. (۱۳۸۷). «صلح در اشعار قیصر امین‌پور». *سفر در آینه نقد و بررسی ادبیات معاصر*. به کوشش عباسعلی وفاپی. تهران: انتشارات سخن.
- جبر شعث، احمد. (۲۰۰۲). *الأسطورة فی الشعر الفلسطینی المعاصر*. ط ۱. فلسطین: مكتبة القادسیة.
- حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۵). *اصول و مفاهیم ژنوپلیتیک*. مشهد: انتشارات پاپلی.
- حسینی، سید حسن. (۱۳۸۶). *گنجشک و جبرئیل*. چ ۶. تهران: نشر افق.
- ----- (۱۳۸۷). *هم‌صدا با حلق اسماعیل*. چ ۴. تهران: انتشارات سوره مهر.
- ----- (۱۳۸۸). *در ملکوت سکوت*. چ ۱. تهران: انجمن شاعران ایران.
- رستگار، مهدی. (۱۳۶۹/۸/۲۹). *ویژگی‌های ده سال شعر معاصر*. تهران: روزنامه اطلاعات.
- سنگری، محمدرضا. (۱۳۷۷). «ادبیات پایداری (مقاومت)». *نامه پژوهش (ویژه دفاع مقدس)*. ش ۹، س ۳، چ ۱. تهران: مرکز پژوهش‌های بنیادی.
- شکری، غالی. (۱۳۶۶). *ادب مقاومت*. ترجمه محمدحسین رحمانی. تهران: نشر نو.
- شکوئی، حسین. (۱۳۸۷). *اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا*. تهران: موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- شیخاوندی، داور. (۱۳۶۹). *زایش و خیزش ملت*. چ ۱. تهران: انتشارات ققنوس.

- عرایدی، نعیم. (۱۹۹۲). *دراسات فی شعر سمیح القاسم، أعمال سمیح القاسم الكاملة*. ج ۷، ط ۱. بیروت، القدس: دارالجيل، دارالهدی.
- عطوات، محمد عبد عبدالله. (۱۹۹۸). *الإتجاهات الوطنية فی الشعر الفلسطيني المعاصر*. ط ۱. بیروت: دار الآفاق الجديدة.
- العید، یمنی. (۱۹۹۲). *الشعرية فی «برسونانون غراتا»، أعمال سمیح القاسم الكاملة*. ج ۷، ط ۱. بیروت، القدس: دارالجيل، دارالهدی.
- فرزاد، عبدالحسین. (۱۳۸۳). *شعر پویای معاصر عرب، رویا و کابوس*. چ ۲. تهران: مروارید.
- القاسم، سمیح. (۱۹۸۷). *الأعمال الكاملة*. بیروت: دار العودة.
- ----- (۱۹۹۳). *ديوان الشاعر العربي المعاصر (الأعمال الكاملة)*. قاهره: دارالسعاد الصباح.
- کرانگ، مایک. (۱۳۸۳). *جغرافیای فرهنگي*. ترجمه مهدي قرخلو. تهران: انتشارات سمت.
- کنفانی، غسان. (۱۹۶۸). «أبعاد و مواقف من الأدب المقاومة الفلسطينية». *مجلة الآداب*. العدد الرابع. بیروت.
- المبيض، سليم عرفات. (۱۹۹۰). *ملاح الشخصية الفلسطينية فی أمثالها الشعبية*. [د.م]: مطابع الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- مناع، هاشم صالح. (۱۹۸۴). *القضايا القومية فی شعر المرأة الفلسطينية ۱۹۴۸-۱۹۷۴*. ط ۱. کویت: شرکه کاظمه.
- ولی‌پورزرومی، سیدحسین. (۱۳۸۴). «هویت ملی و دفاع مقدس». *فصلنامه مطالعات ملی*. ش ۳، سال ۶.